

مصاحبه جرس با عبدالعلی بازرگان درباره: مصاحبه خبرگزاری جمهوری اسلام با دکتر یزدی

جرس - ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی طی مصاحبه‌ای با آقای دکتر ابراهیم یزدی در روز ۱۴ فروردین سال جاری نکاتی را مطرح کرده‌اند که خواستیم نظر شما را به عنوان یکی از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی ایران جویا شویم. ایشان علت استعفای خود از دبیر کلی نهضت را عمل جراحی قلب اعلام کرده و گفته‌اند: "با این شرایط جسمانی نمی‌توانستم وظایفم را به عنوان دبیرکل انجام دهم ولذا استعفا کردم". بنظر شما تا چه حد این استدلال می‌تواند قابل قبول باشد؟

پاسخ- اعتبار این گونه مصاحبه‌های ساختگی و مونتاژ شده از بازجویی‌ها همانقدر است که مصاحبه‌های تلویزیونی با اسیران جنبش سبز در رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی اعتبار دارد. این مصاحبه تماماً مصرف داخلی دارد و برای توجیه طرفداران خودشان است و گرنه مردم آگاه ما با این دروغ گوئی‌های دولتی آشنا هستند. آخر اینها فکر نمی‌کنند مردم می‌پرسند مگر دکتر یزدی در سلول انفرادی و خانه امن وزارت اطلاعات فعالیت حزبی می‌کرده که به دلیل خستگی و شرایط جسمانی مجبور به استعفا شده باشد؟! مگر برای حزبی که ماههاست به اجبار و تهدید تمام فعالیت‌هایش را به تعطیل کشانده‌اند، امکان نفس کشیدنی گذاشته‌اند که دبیرکلش را خسته کند؟ استعفای دبیرکل يك حزب در شرایط آزاد و به شورای مرکزی آن حزب تقدیم می‌گردد، نه به بازجویان و خبرنگاران اطلاعاتی!! می‌گویند آنکه دروغی گفته، اگر راستش را نگوید، برای توجیه آن مجبور می‌شود دهها دروغ دیگر هم بیافد! این مصاحبه توجیه دروغ يك خطی قبلی این خبرگزاری در استعفای دکتر یزدی می‌باشد.

جرس- ایشان در مصاحبه گفته‌اند: "من با نظام هیچ مسئله‌ای ندارم. فقط با برخی رفتارها که خلاف قانون اساسی است مشکل دارم". آیا واقعاً ایشان با نظامی که بر مبنای ولایت فقیه بنا شده مسئله‌ای ندارند؟

پاسخ- ببینید، هر سخنی را باید با قبل و بعد آن، و به اصطلاح در فحوای کلام شخص فهم کرد. اولاً این حرف تازه‌ای نیست؛ هم نهضت و هم خود دکتر یزدی در این ۳۲ ساله بارها اعلام کرده‌اند که با نظام جمهوری اسلامی ایران که در آن "جمهور" مردم، "اسلام واقعی" و منافع "ایران" وجود داشته باشد، موافق و مدافع آن هستند، در مورد "ولایت فقیه" نیز نهضت در همان سال‌های حیات و حضور قدرتمند آقای خمینی جزوای ۸۰ صفحه‌ای در رد کامل این نظریه نوشته است و چوبش را بارها خورده و پای لرزش هم نشسته است. چه کسی شك دارد که نهضت با تمام وجودش با اصل ولایت فقیه مخالف است و آنرا ریشه اصلی انحرافات انقلاب می‌داند؟

جرس- آقای دکتر یزدی دو بار در مصاحبه مورد ادعای خبرگزاری ایرنا، راه پیمائی مسالمت آمیز و قانونی را مصلحتاً موکول به هماهنگی‌های لازم با مبادی زیربند کرده و گفته‌اند: "وقتی بدون هماهنگی انجام شود، تنها هواداران شما به خیابان نمی‌آیند، بلکه گروه‌های معاند هم می‌آیند". در شرایطی که همواره پاسخ این هماهنگی‌ها از طرف دولت منفی است، آیا نتیجه گرفته نمی‌شود که چون همیشه معاندین هم می‌آیند پس اصولاً نباید راه پیمائی شود؟

پاسخ - دقیقاً همینطور است. این حرف وزارت اطلاعات است که به حساب دکتر یزدی گذاشته می‌شود! یعنی چه اگر اجازه راهپیمائی بدهیم گروه‌های معاند هم می‌آیند؟ مگر قرار است فقط مدافعان سینه چاک شما راهپیمائی کنند؟ آنها که قانون اساسی را نوشتند نظرشان به آزادی همه مردم در تظاهرات مسالمت‌آمیز بود نه فقط خودی‌ها. از آن گذشته، "معاند" بودن را چه کسی و از کجا تشخیص می‌دهد، به تعبیری از پیامبر اسلام: "آیا شما سینه آنها را شکافته و از درون قلبشان فهمیده‌اید معاند هستند؟! چه کسی به شما حق تفسیر قانون اساسی را داده؟ مسئله این است که اینها با هزار تا "لِیتَ و لَعَلَّ" می‌خواهند تعطیل این اصل کاملاً شفاف قانون اساسی را توجیه کنند.

جرس- از کلام ایشان چنین بر می‌آید که با شعارهای ساختار شکنانه مخالف هستند. در متن خبرگزاری ایرنا از قول دکتر یزدی آمده است: "در آن زمان نقدی به موسوی کردم که شما یا نباید مردم را به حضور در خیابان‌ها دعوت می‌کردید، یا اگر اعلام می‌کنید مردم بیایند، بدیهی است همه آنان که می‌آیند، هوادار شما نیستند و شعارهای خود را می‌دهند و ساختار شکنی می‌کنند"

پاسخ - شما از کجا اطمینان می‌کنید این حرف دکتر یزدی، نه حقه بازجویان باشد؟ در این شرایط خفقان، با این همه مراقبت‌های اطلاعاتی، و حساسیت‌هایی که بخصوص آقای موسوی در ارتباط با احزاب مخالف داشت، چگونه ممکن است این دو نفر ملاقات کرده باشند؟ اگر می‌گویند نامه شخصی یا بیانیه حزبی بوده، چرا آنرا در اختیار عموم قرار نمی‌دهند تا سیه روی شود هر که در او غش باشد!... از آن گذشته، اصلاً ساختار شکنی یعنی چه؟! اگر ساختار اصلی همان انقلاب و اهداف اولیه آن باشد، که نهضت خودش از پایه گزارانش بوده، اگر ولایت فقیه است، که بلی سی سال است نهضت با بیانیه‌هایش صریحاً آنرا شکسته است و افتخار هم

می‌کند! اگر هم شخص رهبری است، کجای قانون اساسی گفته شده نظام مساوی شخص معینی است که انتقاد به عملکردش ساختارشکنی باشد؟ اگر قرار بود شخص پرست باشیم، که با شاه مخالفت نمی‌کردیم.

جرس- در بخش‌هایی از این مصاحبه ادعائی تعرضاتی به آقای میرحسین موسوی شده است. از جمله از قول دکتر یزدی گفته شده: "باید بررسی کرد که چه طور شد نخست وزیر چند ساله مملکت به اینجا کشیده شد؟ باید بحث کرد و موضوع را ریشه یابی کرد زیرا این حادثه کوچکی نیست". منظور دکتر یزدی از جمله " به اینجا کشیده شدن" بنظر شما چیست؟

پاسخ - تنظیم کنندگان این مصاحبه از قول دکتر یزدی خواسته‌اند چنین القاء کنند که مثلاً چرا مهندس موسوی با چنان سوابقی، آخرعاقبت خود را خراب کرد! در حالی که سخن ایشان متوجه حاکمان است که شما باید ببینید چه کارنامه‌ای داشته‌اید که حتی نخست وزیر خط امامی دوران هشت سال جنگ هم به شما اعتراض دارد؟ اتفاقاً چندی پیش هم در داخل کشور همین سؤال را در مناظره‌ای رسمی، آقای دکتر زیبا کلام از حجه الاسلام رسائی (نماینده مجلس و طرفدار احمدی نژاد) کرده بود که چه اتفاقی در جمهوری اسلامی در این ۳۲ ساله افتاده است که همه نخست و زیران، رؤسای جمهور و رؤسای مجلس، به غیر از آنها که از دنیا رفته‌اند، از ابتدای انقلاب تا کنون همگی مغضوب واقع شده‌اند؟ آیا به غیر از شوروی سابق، هیچ نظامی با پایه گذارانش چنین کرده است؟

جرس- در قسمت دیگری از مصاحبه آمده است: "من با کاندیداتوری او مخالف بودم، پذیرفتی نیست که کسی رئیس جمهور شود و با رهبری مشکل داشته باشد. اگر موسوی انتخاب می‌شد، برای کشور فاجعه بود. زیرا رهبری و رئیس جمهور باید با هم هماهنگ باشند". اگر دکتر یزدی با کاندیداتوری موسوی مخالف بوده، آیا یکی از کاندیدای دیگر را تأیید می‌کرده یا اصلاً با همه آنها مخالف بوده است؟

پاسخ - من نمیدانم آیا بازجویانی که این مصاحبه‌ها را تنظیم می‌کنند، فکر نمی‌کنند چه پاسخی باید به این سؤال مقدر مردم بدهند که اگر نظر دکتر یزدی و نهضت این چنین فکر می‌کرده، پس چرا در طول این مدت سه بار ایشان را زندانی کرده و در خانه امن نگه داشته بودید تا کسی از نظریاتش مطلع نگردد؟ می‌گذاشتید آزادانه این نظر را به نفع شما تبلیغ کند و مردم را از حمایت موسوی منصرف نماید؟ در ثانی، بیانیه‌های نهضت و مصاحبه‌های دکتر یزدی قبل و بعد از انتخابات خلاف این منطوق را نشان می‌دهد. دیدگاه یک شخص را که نمی‌شود از متن تهیه شده وزارت اطلاعات استنباط کرد! آیا کسی باور می‌کند که دکتر یزدی اعتقاد داشته رئیس جمهور باید ذوب در ولایت رهبری باشد تا هماهنگی حاصل شود؟ چرا چیزی می‌گویند که هر آدم عاقلی را به خنده می‌اندازد؟

جرس- ولی این را هم که نمی‌شود ندیده گرفت که هم نهضت و هم شخص دکتر یزدی با عملکرد آقای موسوی در دوران نخست وزیری ایشان مخالفت‌هایی داشته‌اند. آیا شما فکر می‌کنید آنچه از این باب در مصاحبه نقل شده دروغ است؟

پاسخ- نه من چنین نمی‌گویم. انتخاب‌گزینشی از برگه‌های بازجویی و تحریف و تغییر آن به شکل مصاحبه رسمی اصالتی ندارد. مخالفت با برخی سیاست‌های دولت سابق آقای موسوی را بیانیه‌های نهضت، که در مجموعه اسنادش درج شده به وضوح نشان می‌دهد. اما فرق است میان سیاست‌های دیروز مهندس موسوی در مقام نخست وزیر، و سیاست‌های سبز امروزش در مقام یکی از رهبران جنبش سبز. این طبیعی است که یک حزب سیاسی به برخی عملکردهای یک دولت در زمان حاکمیتش انتقاد داشته باشد، همه جای دنیا چنین است. این چه ربطی به عملکرد بعدی یک دولت مرد در زمان و مکان و موقعیت دیگر دارد؟ از آن گذشته، آدم‌ها عوض می‌شوند. تغییر و تحول خصلت ممتاز انسان است، موسوی امروز با موسوی سه دهه قبل فرق دارد. اگر تغییر نکرده بود، باید در صلاحیتش شک می‌کردیم.

جرس- نکته دیگر در این مصاحبه، ذکر جمله: "التزام" به قانون اساسی توسط دکتر یزدی است. ایرنا از قول ایشان نقل کرده: "من به جمهوری اسلامی وفادار هستم، به قانون اساسی التزام دارم، اما به برخی سیاست‌ها و رفتارهای مسئولین معترضم، ولی با نظام مسئله‌ای ندارم". آیا شما باور می‌کنید دکتر یزدی چنین عقیده‌ای داشته باشد؟

پاسخ- البته! این را شما در گفته‌های قبلی ایشان و بیانیه‌های نهضت هم می‌توانید پیدا کنید، یاد می‌آید سالها قبل در جواب کسی که این سؤال را از ایشان کرده بود، می‌گفت: "به قانون باید التزام داشت، نه اعتقاد!" التزام همان ملازمت و اجباری است که اگر قانونی تصویب شد، همه را مکلف به پیروی از آن می‌کنند، اما می‌توان با بخش‌هایی از قانون مخالف بود و از مجاری مسالمت آمیزی که در قانون پیش بینی شده، مثل فعالیت‌های حزبی یا تظاهرات قانونی در جهت تغییرش تلاش کرد. در مورد وفاداری به نظام هم قضیه همینطور است، مگر نظام مساوی هیئت حاکمه است که اگر کسی با عملکردشان مخالف بود، در وفاداری‌اش به نظام خدشه‌ای وارد شود، و یا به دلیل عملکرد انحرافی حاکمان، دفاع از نظام ننگ باشد؟ نظام همانست که مردم در تظاهرات قبل از انقلاب خواستار

بودند. مردم به جمهوری رأی دادند و به ارزش‌های اصلی اسلام، مثل آزادی انسان، عدالت اجتماعی، حاکمیت مردم و بالاخره سعادت مردم ایران.

جرس- اجازه دهید بحث را عوض کنیم. در بخشی از این مصاحبه انتقادی هم از قول دکتر یزدی متوجه سیاست خارجی آمریکا و دوگانگی عملکردشان در لیبی و بحرین شده است، همچنین عدم تمایلشان به مصاحبه با صدای آمریکا. شما فکر می‌کنید خبرگزاری ایرنا چه قصدی از طرح این سؤال داشته است؟

پاسخ- من نمی‌توانم قصد کسی را بخوانم، اما این هم حرف تازه‌ای نیست، خط مشی نهضت آزادی همواره اتکاء به ملت ایران در مبارزه برای آزادی و حاکمیت ملی بوده است. چنین اعتراضاتی را قبلاً هم نهضت آزادی یا شخص ایشان به تناقضات عملکرد آمریکا در سیاست خارجی‌اش داشته اند. مسلم است که هر ملتی منافع ملی خود را تعقیب می‌کند و عاشق چشم و ابروی ملت‌های دیگر نیست، مگر ما غیر از این هستیم؟ هر چند عملکرد این چند دهه حاکمان ما به ضرر منافع ملی و به نفع بیگانگان تمام شده است.

جرس- به عنوان آخرین سؤال می‌خواستم برداشت کلی خودتان را از تنظیم چنین مصاحبه‌ای، اگر نکته ناگفته‌ای دارید بیان کنید.

پاسخ- می‌دانم سن و سال شما اجازه نمی‌دهد. اما نسل گذشته به خاطر می‌آورند وقتی شادروان دکتر شریعتی را پس از دو سال اسارت در سلول انفرادی آزاد کردند، روزنامه اطلاعات به دستور ساواک شروع به درج سلسله مقالاتی از ایشان در نقد مارکسیسم کرد تا به این وسیله دشمنی و تفرقه‌ای میان نیروهای چپ و مذهبی ایجاد کند. نوشته‌ها البته از دکتر بود، اما سالیانی قبل نوشته شده بود و اینک بی اطلاع او بدون آنکه امکان تکذیب داشته باشد چاپ می‌شد. درج این مصاحبه توسط خبرگزاری دولتی ایرنا نیز از همان سنخ است. آنها می‌خواهند با طرح نظریاتی از زبان دکتر یزدی، در شرایطی که همه می‌دانند، علیه آقای موسوی یا جنبش سبز، در صفوف این حرکت شکاف ایجاد کنند. البته همانطور که ساده دلانی در آن روزگار فریب چنان ترفندی را خوردند و از شریعتی گله کردند، امروز نیز می‌توان دید بی‌خبرانی این دروغ‌ها را باور می‌کنند، اما اگر دروغی در کوتاه مدت مؤثر واقع شود، در بلند مدت مسلماً به زیان دروغگو تمام خواهد شد.

در خاتمه، خاطره‌ای را از مرحوم مهندس بازرگان یادآوری می‌کنم که حتماً شما می‌دانید و بیشتر مردم هم آنرا شنیده‌اند. ایشان در پایان یکی از سخنان انتقادی تندشان علیه حاکمیت گفتند: "مردم، حرف‌های من همین هاست که گفتم، اگر مرا گرفتند و فردا دیدید پای تلویزیون حرف‌های دیگری می‌زنم، آن حرف‌ها مال من نیست، حرف‌های من همین هاست". حرف‌های دکتر یزدی و سایر اسیران آزاده را باید از گفته‌ها و نوشته‌های قبل از زندان آنها استخراج کرد. نه از آنچه از ذهن بازجویانشان تراوش می‌کند.

جرس- از وقتی که در اختیار ما گذاشتید بسیار تشکر می‌کنم.

پاسخ - بنده نیز از زحمت و خدمت شما سپاسگزارم. موفق باشید.